

فردوسی و شاهنامه

(۲)

اظهار عقیده می‌شد که متون پهلوی خوتای نامک پایه و اساس مجموعه ابومنصور نبوده بلکه ترجمه های عربی آن بوده است ، ولی این فرضیه اکنون با اطمینان رد می‌شود .

معیناً قطعات اصل مجموعه ابومنصور با صاحب‌حتر گفته شود مقدمه آن بدست ما رسیده است . محمد قزوینی کهنسالترین دانشمند ایران که اکنون فوت کرده است بقرار معلوم توانسته بود در مقدمه‌ای که باصطلاح مقدمه کهن بعضی نسخ خطی شاهنامه فردوسی نامیده می‌شود ، قسمتی از اصل مقدمه «خدای نامه» را پیدا کند .

این مقدمه ابومنصور که دارای تاریخ سنه ۳۴۷ هجری است (۹۵۹ - ۹۶۰ میلادی) معلوم شده که در عین حال قدیمترین یادگار نشر فارسی است که به ما رسیده است . نزدیکترین یادگار باین ، مقدمه تاریخ طبری بلعمی است که دارای تاریخ سال ۳۵۲ هجری می‌باشد یعنی شش سال تازه‌تر از آن است .

۴- مراحل اساسی بررسی شاهنامه

محققین نه اصل شاهنامه را در اختیار دارند و علاوه بر آن مسلم است که نه نسخه خطی خود فردوسی را و نه نسخه‌های خطی را که بتوان گفت استنساخ نزدیک بزمان اصل است . میتوان فکر کرد که نسخه های خطی شاهنامه در سده های ۱۱ و ۱۲ و حتی ۱۳ بسیار کمیاب بوده ، بطوریکه یکی از قدیمترین منابع ما ، عوفی در تذکره خود از طرفی راجع به شهرت بسیط منظومه فردوسی سخن میگوید و از طرف دیگر به منتخبات شاهنامه اثر مسعود

سعد سلمان (بدست ما نرسیده است) استناد مینماید، نه به نسخه کامل این منظومه. قدیمترین نسخه‌های خطی شاعره عبارت است از نسخه خطی نیمه دوم سده ۱۳ موجود در لندن (تاریخ دقیق ندارد، ممکن است در سالهای ۱۲۷۶-۱۲۷۷ نوشته شده باشد) و نسخه موجود در لنینگراد که در سال ۱۳۳۳ نوشته شده است. بقرار معلوم در سده ۱۵ و فور قسمتهای استنساخ شده شاهنامه و شقوق و اشکال مختلف، بیسنقر میرزانوه امیر تیمور را وادار کرد که متن کامل این منظومه را تنظیم و تهیه کند. بقرار معلوم، با استناد منابع و مدارک خطی وافر کتابخانه شخص بایسنقر در سالهای ۱۴۲۵-۱۴۲۶ متن کامل منظومه تنظیم گردید و مقدمه‌ی بر آن بوجود آمد که در عالم دانش بنام مقدمه بایسنقری شاهنامه شهرت دارد.

ما نمیدانیم چه کسی، از روی کدام منابع و چطور روی نسخه خطی محفوظ جزو ذخایر کتابخانه ملی بنام ابوالقاسم فردوسی در تهران کار و بررسی کرده است.

ولی متن و مقدمه بایسنقری در اکثر نسخه‌های متعدد بعدی ایران، آسیای میانه و هندوستان تجدید می‌شده و در حقیقت تا زمان ما اساس متن شاهنامه مورد قبول عامه شناخته شده است.

بعضی از نسخه‌ها دارای مقدمه دیگری است که با اصطلاح «قبل از مقدمه بایسنقری» یا «کهن» نامیده میشود (که قسمتی از مقدمه مذکور مجموعه منثور ابو منصور جزو آن کشف گردیده است).

در سده ۱۶ دیگر نسخه‌های کامل شاهنامه که اصولاً مبتنی بر همان نسخه بایسنقری بوده، جزو ادبیات تثبیت گردیده، ولی هم‌ردیف با آن تا اواخر سده ۱۹ در ایران، هندوستان و آسیای میانه منتخبات منقول گوناگون بوجود می‌آمده است. مثلاً در این نوع شقوق بی ارزش بازاری، برستم پهلوان، مسلمان و یشتیان مذهب شیعه است. اروپائی‌ها از روی نسخه‌های انتشار یافته شاهنامه بوسیله خاورشناسان و مقدم بر همه توسط انگلیسیها، که با هندوستان رابطه داشتند، در سده ۱۸ و اوایل سده ۱۹ با شاهنامه آشنا شدند (۱).

(۱) - ذکر این مطلب اهمیت دارد که در نشریه اول و چونس در سال ۱۷۷۴ هنوز مؤلف بودن فردوسی تشخیص داده نشده بود. قسمتهای متن (با ترجمه لاتین) خیلی ساده و بعنوان مستخرجاتی از مجموعه منظومه تاریخی شمرده میشد.

در اوایل سده ۱۹ دیگر اهمیت شاهنامه و توجه و علاقه عمیق بآن منظومه در اروپا مشخص گردید. در هند انگلیس نخستین اقدامات آزمایشی برای چاپ متن کامل منقح (بهتر است گفته شود مجموع) شاهنامه بعمل آمد. مثلاً در سال ۱۸۰۸ کوشش شد متن ۲۷ نسخه خطی این منظومه تطبیق شود، اما عملاً بطرزی ساده کاملترین نسخه پایه و اساس متن جامع قرار گرفت. در سال ۱۸۱۱ در کلکته اولین جلد شاهنامه که آخرین جلد آنهم بود، تحت نظر پرفسور لامسدن از چاپ درآمد. کمپانی هند شرقی از مساعدت مالی برای چاپ آن استنکاف کرد، گذشته از آن نواقص علمی آنهم بخوبی مشهود بود. در سال ۱۸۲۹ باز هم در هندوستان، در کلکته نسخه کامل چهارجلدی شاهنامه چاپ «تیورنماکان» خاتمه یافت، که حقیقتاً بقصد تنقیح آن از نسخه‌های خطی هندی شاهنامه و من جمله متن لامسدن استفاده کرده بود. نامبرده توانسته بود نقلها و قسمتهای اساسی بزرگ افزوده شده را از قبیل: «برزو نامه»، «جهانگردی‌های جمشید»، «در باره رستم و کک راهزن»، «همچنین «هجویه مربوط به سلطان محمود» را جدا کند. مقدمه (با استفاده از مقدمه بایستقری)، فهرست و لغت نامه کلمات مهجور و نادر در آخر کتاب باین چاپ «ت. ماکان» جنبه کامل و وضوح لازم را میدهد. این چاپ بزودی جزو کتب نایاب شد، زیرا زود بفروش رسید، مخصوصاً و قبل از هر جا در خود هندوستان، شهرت بسط این چاپ تجدید چاپ آنرا ضروری نمود و این کار چندبار بوسیله چاپ سنگی در سده ۱۹ مئی گردید.

چاپ بسیار مجلل و زیبای متن شاهنامه با ترجمه «ژول مول» بزبان فرانسه گواه توجه عمیق و علاقه جامعه اروپای غربی است نسبت به شاهنامه. در دوره‌ای از سال ۱۸۲۸ لغایت سال ۱۸۷۸ در پاریس هفت جلد به قطع بزرگ از چاپ درآمد که نتیجه زحمات تمام عمر مؤلف آن بود (جلد آخر پس از مرگ مؤلف یعنی جلد ۷ بتوسط «باریه دو منار» تکمیل شده است). در سالهای ۱۸۷۶ - ۱۸۷۸ مؤلف فقط یک ترجمه منظومه را بقطع یک هشتم با مقدمه‌ای برای جلد اول چاپ اساسی سال ۱۸۳۸ منتشر ساخت. در مقدمه وی تحقیقات منظومه‌های حماسی سده‌های ۱۱ و ۱۲ که مترادف با شاهنامه بوده و کشف مطالب بزرگ افزوده شده بر متن گرشاسب‌نامه و برزو نامه و غیره ارزش و اهمیت خاصی دارد. در خصوص اضافات کوچک و شقوق دیگر متن مول، چه از لحاظ عدم دقت نسبت به جنبه وزن شعر و چه از لحاظ استفاده

یکجانبی فقط از نسخ اروپائی و اساساً از ذخایر بریتانیا و پاریس، بدون ملحوظ داشتن حقوق چاپ سال ۱۸۲۹ کلکته، عاری از ایراد و عیب نیست. بنسبت نواقص چاپهای موجود طبع متن منقح جدید ضرورت یافت و «ای. ووللرس» دانشمند آلمانی اقدام باین کار کرد.

ووللرس بدون استفاده از منابع خطی جدید، فقط با تطبیق کتابهای چاپ پاریس و کلکته با همکادی ف. روککرت و دیگران، در سالهای ۱۸۷۷ و ۱۸۷۹ دو جلد متن جامع شاهنامه را بچاپ رساند. جلد سوم پس از فوت ووللرس بتوسط س. لانداور در سال ۱۸۸۴ منتشر شد. جلد چهارم یعنی قسمت ساسانی منظومه تا نام ماند.

همزمان با آن، ووللرس برای شاهنامه کتاب لغات فارسی - لاتینی بزرگی منتشر ساخت که مبنای آن فرهنگهای فارسی تفسیری بود. متن ووللرس را نمیشد متن نهائی دانست، لیکن برای قسمتهای اساطیری و وقایع پهلوانی شاهنامه نسبتاً بهترین متن و بیش از سایر متون قابل فهم بود. تا اوقات اخیر متن مذکور بعنوان متن منقح مورد استفاده واقع میشد، مخصوصاً بدین سبب که قسمت تاریخ (ساسانی) منظومه هنوز مورد توجه جدی علم و تحقیقات مخصوص واقع نشده است.

در ایام جشن هزاره فردوسی در سالهای ۱۹۳۴-۱۹۳۵ در تهران چاپ جدید متن شاهنامه عملی شد. اساس آن عبارت بود از نقل و تجدید چاپ جلد های ۱-۳ کتاب چاپ ووللرس - لانداور. قسمت اخیر تاریخی منظومه را هم سعید نفیسی بهمان سیاق تطبیق کتابهای چاپ کلکته و پاریس انجام داده است. کاملاً و قابل فهم بودن این چاپ با حفظ شماره گذاری صفحه و شماره گذاری ابیات جلدهای اصلی ووللرس آنرا برای استفاده تا بوجود آمدن چاپ حقیقتاً منقح شاهنامه مناسبتر از سایر چاپها کرده است.

چاپ متن کامل شاهنامه پایه ضروری را برای تحقیق و بررسی علمی منظومه و حماسه ایران و شرح حال فردوسی بوجود آورد. همزمان با آن بسیاری از منابع اولیه تاریخ و تمدن و ادبیات ایران و آسیای میانه کشف گردید و مورد استفاده واقع شد. قسمتی از آنها هم انتشار یافت و تمام آنها منابع و اطلاعات گرانبهایی برای امر تحقیق و بررسی شاهنامه هم در اختیار ما گذاشت.

اگر در اوایل آن سده درباره فردوسی و شاهنامه هم بطور کلی مانند ادبیات

فارسی از حیث ماهیت همان مطالبی نقل میشد که در تذکره سده ۱۵ دولت‌شاه و مقدمه بایستقری ذکر شده بود، در عوض در آخر سده تحقیقات و مطالعات متکی بخود متن منظومه و برخی یادگارهای تاریخی و ادبی نزدیک بمصر بوجود آمدن شاهنامه و قرون وسطی قبل از هجوم مغولان بود. از کتاب‌های لغت - فرهنگهای تفسیری متعدد هم از قدیم‌ترین فرهنگ‌هایی که بما رسیده و نوشته اسدی طوسی مولف «گرشاسب نامه» در سده ۱۱ مییاشد و کهنه‌ترین تذکره سده ۱۳ بنام «لباب الالباب» اثر محمد عوفی که ضمناً باید گفت هیچ مطالب مهمی هم درباره فردوسی نگفته است، جزو باقی منابع و مدارک استفاده شده است.

کشف کتاب «چهار مقاله» نظامی سرقندی اهمیت خاصی داشته است. مؤلف این کتاب، شاعر درباری سلجوقیان در سده ۱۲ بوده و تقریباً صدسال پس از مرگ فردوسی به طوس زادگاه شاعر مزبور رفته و بقرار معلوم اطلاعات گرانبهایی را که در محل در خصوص مولف شاهنامه کسب نموده اطلاع داده است. این اطلاعات بسیط و دامنه‌دار بسیار قدیمی درباره فردوسی هر چند که ازمضامین افسانه‌ای عاری نیست معیناً اجازه داد که نسبت باطلاعات متأخر تقریباً سراسر افسانه‌ای دولت‌شاه و نسبت بمقدمه بایستقری و سایر منابع روش انتقادی و تنقیحی اتخاذ گردد.

ترجمه‌های ازابل قرون وسطی شاهنامه بخصوص ترجمه عربی بنداری اصفهانی متعلق به نیمه اول سده ۱۳ و ترجمه قدیم گرجی (تاحدی هم ترجمه های ارمنی و ترکی) و شقوق گوناگون دارای اختلافات زبانی آن فوق‌العاده قابل توجه و تدقیق است. منون اخیرالذکر تقریباً هیچ مورد استفاده بردسی تطبیقی متن شاهنامه واقع نشده، همانطور که از ترجمه بنداری هم استفاده نشده است و چاپ آن که اخیراً در قاهره عملی گردیده، استفاده وسیع تر از آنرا امکان پذیر کرده است. نظر باینکه مانسخته های خطی نزدیک بزمان تألیف شاهنامه را در اختیار نداریم، مدارک و اطلاعات اینگونه تراجم در امر تحلیل متن منظومه فردوسی و جدا کردن مطالب بیشمار افزوده شده بر آن اهمیت فوق العاده کسب میکنند. آخر، ترجمه عربی بنداری حاوی کهن‌ترین گواهی درباره متن شاهنامه مییاشد، زیرا تقریباً معادل یک قرن قدیمی تر از نسخه لنینگراد و نیم قرن قدیمی تر از نسخه لندن شاهنامه است.

اولین تألیفات مخصوص درباره شاهنامه طیبی است که عبارت بود
مقدمه ناشرین متن ماکان و مخصوصاً مول و همچنین مقدمه‌های تراجم
منتخبات شاهنامه. تحقیق علمی خاص در این رشته عبارت بود از تالیف
تئودور نولدکه دانشمند آلمانی (Das Iranisch Nationalepos)
حماسه ملی ایران که در جلد دوم مجموعه ایران شناسی - Rundrin
der Iranischen Philologie «اساس قه اللغة ایرانی» (درس
های ۱۸۹۴-۱۹۰۴) انتشار یافته است.

تالیف نولدکه بطور کلی اهمیت خود را بعنوان تالیف اساسی در
شرح حال فردوسی و تحلیل شاهنامه تاروزگار ما هم حفظ کرده است
ولی مستلزم تکمیل و اصلاحات، هم از لحاظ حقایق و هم از جهت متود
لوژی عمومی میباشد. خاور شناسی روسیه در دوره قبل از انقلاب اکبر
در دوره ترقی عمومی آن از اواخر سده ۱۹ همچنین سهم گرانبهای و
امر تحقیق و بررسی مسائل مربوط به شاهنامه فردوسی نموده است. آ.
تالیفات قدیمی مخصوص س. نازاریانتس تحت عنوان «ابوالقاسم فردوسی
طوسی» (سالهای ۱۸۴۹-۱۸۵۱) و تز استادی (بحث) ای. زینوویف
تحت عنوان «داستانهای حماسی ایران» (سال ۱۸۵۵) اهمیت محدود
داشته و مطلب تازه‌ای درباره بررسی شاهنامه وارد ننموده است، درمقا
نسل‌های بعد خاورشناسان روس یک سلسله تألیفات مهم بوجود آورده‌اند
در درجه اول باید در اینجا تحقیقات و ر. روزن را درباره ترجمه ه.
هرمی «خدای نامه» و مقاله و. و. بارتولد را در خصوص منشاء حماسه
ایران و انتشار متن کتاب لغت‌های مخصوص برای شاهنامه را که
زالمان شروع کرده است و مقالات و. آ. ژوکوفسکی و ف. آ. روزنبرگ
و همچنین اولین ترجمه‌های شاهنامه را از صل بتوسط س. ساکالو
بزبان روسی خاطر نشان ساخت.

تجلیل بین المللی خاطره و برکناری هزاره فردوسی در سال
۱۹۳۴-۱۹۳۵ مسبب و مشوق یک سلسله تحقیقات و انتشارات مربوط
شاهنامه شد. قسمت مهم آنها در مجموعه‌های مخصوصی منتشر گردید
در تهران در سال ۱۹۳۵ بچاپ رسید. گزارشها و سخنرانیهای اعضا
کنگره از دانشمندان ممالک مختلف مشرق و مغرب وارد آن انتشارات
گردید.

نمایندگان اتحاد شوروی در آن کنگره عبارت بودند از: ای. آ. اوربلی **Orbely**، آ. آ. فریمان **Freyman**، آ. آ. راماسکه ویچ **Ramaskevitch**، یو. ن. مار **Mar** و ی. ا. برتلس **Bertels** در اتحاد شوروی هم نشر اولین تالیفات درباره شاهنامه و فردوسی همچنین با جشن های هزاره آن شاعر بزرگ و کارهای هشتین کنگره بین-المللی هنرهای ایران در لنینگراد در سال ۱۹۳۵ بستگی و ارتباط داشت. اکبر این تالیفات جنبه نشریات علمی عمومی را داشت، ولی بمنزله پایه بسیار مهمی در بررسی شاهنامه بود زیرا نخستین آزمایش تحلیل جدید آن منظومه با نبوغ بشمار میآمد. بهمین نحو هم باید تالیف مجموعه فردوسی (فرهنگستان علوم ا. ج. ش. س سال ۱۹۳۴) با مقالات پر ارزش آ. یو. یاکوبوفسکی **Yakoubofski** (راجع به محمود غزنوی)، ک. و. تره ور **Trever** (در خصوص ایران زمان ساسانیان در شاهنامه)، آ. آ. راماسکه ویچ (وصف جامع تاریخ تحقیق و بررسی شاهنامه)، ک. ای. چایکین **Tchaykin** (درباره موضوع وجود دو اسدی) و غیره باید تذکر داده شود. مقاله وصفی ی. ا. برتلس - اولین آزمایش بررسی جامع زندگی و آثار فردوسی که بشکل نشریه جداگانه چاپ شده است نیز قابل توجه است. وصف ادبی سلیس و باروح فردوسی را م. م. دیا-کنوف **Diakonof** نوشته است. در مجموعه «مشرق» در سال ۱۹۳۵ شرح حال فردوسی بقلم ک. ای. چایکین، و همچنین مطالب دیگر از آن جمله مطالب ترجمه شده انتشار یافته است.

وصف های درخشان یو. ن. مار (از آنجمله سخنرانی او در کنگره جشن هزاره فردوسی در تهران تحت عنوان وزن شعر شاهنامه) و همچنین ترجمه قطعات - ترجمه شعری شاهنامه نوشته م. لوزینسکی **Lozinski** و م. م. دیاکنوف قابل یادآوری است.

پس از آن جزوه کوچک صدرالدین عینی بزبان تاجیکی (درباره فردوسی و شاهنامه او) باید ذکر شود که در آن مسئله ملی بودن آن منظومه با عظمت طرح شده است.

مرحله مهم در تحقیق و بررسی شاهنامه بحث خلاقه درباره کلیه آثار بزرگ بود (سالهای ۱۹۴۸-۱۹۴۹) که اتحادیه نویسندگان شوروی آنرا علمی نمود و حق یکسان ایرانیان و تاجیکان را بر ادبیات کلاسیک ایران

در قرون وسطی مدلل داشت. این فکر در مقدمه ای که هیئت تحریریه برای دوره مقالات «ادبیان کلاسیک اشعار ملی تاجیک» نوشته اند و در مقاله مقدماتی ای. س. براگینسکی **Braguinski** برای «منتخبات ادبیات تاجیک» و همچنین تحقیقات او تحت عنوان «از تاریخ اشعار ملی تاجیک» ادامه بسط و توسعه یافت. به تالیف مخصوص تز ن. عثمانوف هم که قسمتی از آن به زبانهای روسی و تاجیکی انتشار یافت و همچنین بتالیفات «م. زاند» محقق جوان که در استالین آباد انتشار یافته و آثار دیگر باید اشاره کرد.

اکنون در انستیتوی خاورشناسی فرهنگستان علوم ا. ج. ش. س. مقدمات چاپ متن جدید شاهنامه باتکاء تطبیق نسخه خطی (۱) و ترجمه عربی بنداری و نسخه خطی لنینگراد آغاز گردیده و این امر باید بمنزله قدم جدید و قطعی در امر تهیه چاپ کامل متقح آن یعنی پایه و اساس کارهای عمیق تربعدی در تحقیق و بررسی شاهنامه باشد.

(دنباله دارد)

(۱) نسخه خطی شاهنامه که در لندن موجود است (سده ۱۳) از طرف متن شناسان سده ۱۹ و اوایل سده ۲۰ بطور کلی از حیث متن رضایت بخش محسوب نمیشد و در موقع تنظیم و انتقاد و تنقیح متون شاهنامه مثل نسخه لنینگراد متعلق به سال ۱۳۳۳ و همینطور هم ترجمه بنداری مورد توجه واقع نمیشد. بدین ترتیب گواهی سه قدیمی ترین منبع مورد استفاده واقع نشده بود.